

متن پرسش

استاد جانم سلام: متن زیر را خواندم در دلم با شما سهمیمش شدم .. دل‌نوشته‌ای به بهانه سی‌وچهارمین سالگرد آغاز رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای از آقای سید محمدحسین دعائی که می‌فرمایند:

دیروز، پیر پیل‌افکن ما، در هشتاد و چهار سالگی، هفتاد دقیقه در مراسم بزرگداشت رحلت امام بزرگوار سخنرانی کرد و البته صدایش گرفت. می‌خواهم از همین صدای گرفته بنویسم؛ همین صدای گرفته‌ای که شنیدنش دل‌مان را باز می‌کند؛ همین صدای گرفته راهگشا. صدایی که از سال‌ها تکرار حق گرفته، نه از خستگی. صدایی که گرفتگی‌اش عجیب با پختگی است. صدایی که در عین گرفتگی، دروازه‌های حکمت را به روی بشر امروز گشوده است. صدایی که در پیچ و خم کوچه‌های شلوغ دهکده جهانی، حامل پیغام‌های مهمی از هفت شهر عشق است. صدایی که به رغم بدخواهان عنود و حسود، اگرچه گرفته، اما همچنان در جهان طنین‌انداز است. آری؛ این صدای حقیقت، صدای اصالت و صدای معنویت است؛ این صدای انقلاب اسلامی است. صدایی که قرآن‌گونه، غبارروب قلب مؤمنان است و آئینه دق منافقان. صدایی که به‌سان نسیم، دل تفتیده مستضعفان را خنک می‌کند. صدایی که همچون گردباد، بساط مستکبران را در هم می‌پیچد. صدایی که درس‌ها داده است، سخن‌ها رانده است، خطبه‌ها خوانده است و یادگارهایی ماندگار آفریده است. صدایی که شجاعت و مظلومیت علوی را، هیبت و حکمت حسنی را و عزت و غربت حسینی را با هم دارد. صدایی که شب‌ها نالیده است و روزها غریده. صدایی که به رنگ خداست. صدایی که هیچ‌وقت کم‌فروشی نکرده؛ چه قبل‌ها - در اوج جوانی - که لاجرعه گوش را سیراب می‌کرد؛ و چه حالا - در پختگی پیری - که پیاله‌پیماله می‌نوشاند. آری؛ ما با این صدا بزرگ شده‌ایم. ما - جوان‌های انقلاب - چهل سال است که داریم با این صدا زندگی می‌کنیم. این صدا، موسیقی متن زندگی ماست. ثن این صدا، طنین این صدا، جوهر این صدا، رنگ این صدا، مردانگی این صدا، پختگی این صدا، ملاحظت فارسی این صدا، لحن عربی این صدا، گویش معیار این صدا، لهجه خراسانی و آذری این صدا و خلاصه جذابیت و نورانیت این صدا، همه عشق ماست. ما در تمام این سال‌ها، با طنازی این صدا خندیده‌ایم و با بغض آن گریسته‌ایم. با وقار آن آرام شده‌ایم و با شور آن به هیجان آمده‌ایم. با طمأنینه آن بر بالش امنیت آرمیده‌ایم و با نهیب آن از خواب غفلت پریده‌ایم. با لرزش آن لرزیده‌ایم و در آغوش غرش آن غنوده‌ایم. ما درس دین و دنیا را با این صدا آموخته‌ایم. صدایی که صلابت خمینی و لطافت طباطبائی، در آن به هم رسیده‌اند. صدایی که هم ترنم عرفان را دارد و هم طنین حماسه را. این صدا شاید گاهی بگیرد، اما هیچ‌وقت گم نمی‌شود؛

چون در حافظه تاریخی جهان ثبت است؛ چون صدای سخن عشق است. پس برای همیشه ماندن، باید در این صدا گم شد؛ و شده‌ایم. این صدا - این صدای سحرآمیز و خاطره‌انگیز - همه هویت ماست. این صدا، تصویر حقیقی پروفایل ما در دنیای لبریز از مجاز امروزی است. این صدا، نه فقط صدای ملت ایران، که صدای امت اسلامی است؛ صدای همه مظلومان و مستضعفان جهان. آری؛ دیروز این صدا گرفته بود؛ و چرا نگرفته باشد؟ اصلاً اگر نگرفته بود تعجب داشت. کسی که سال‌هاست حنجره‌اش را خنجر کرده است و تیزی کلامش را بر قلب تاریک اهریمن فرومی‌برد، باید هم صدایش بگیرد. تازه این گرفتگی صدا چه اهمیتی دارد، وقتی پیرنامرد مفلوک و خرفت حاکم بر مثلاً ابرقدرت دنیا، تا یک مزخرف نامربوط نگوید یا زمین نخورد، روزش شب نمی‌شود؟ الغرض، گرفتگی صدای رهبر عزیزتر از جان - که عمرش دراز و پرچمش همیشه بر فراز باد - عجیب نیست؛ بلکه این صافی صداهای ماست که عجیب است. آری؛ باید مجروح جهاد تبیین شد که اجرش از شهادت اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین اندازه می‌توانم در استقبال از این نوشته فاخر عرض کنم چه زیباسخنی که حکایت تماشاگریِ راز است و گرفتگی صدای رهبر معظم انقلاب را به زیبایی تماشا کرده و آن را گزارش داده. این کلمات، انعکاس دیدن حقیقت است در بوستان خداوند به عنوان راست‌ترین کلمات. هرچه در رابطه با این کلمات بگویم حجابی می‌شود نسبت به اشاراتی که این کلمات بدان حقایق اشاره دارد. آری! به گفته جناب آقای دعایی، «باید مجروح جهاد تبیین شد» که در این‌جا آنچه زخم برمی‌دارد حنجره است برای حضور در جان همه جوانان. باید بنگریم در جان جوانان‌مان چه می‌گذرد و سپس با آنها گفتگو کرد حتی با حنجره‌ای خسته. و این است آنچه در کلمات رهبر معظم انقلاب استشمام می‌شود و معلوم است که صدای هرکس که باشد می‌گیرد زیرا از دریا سخن گفتن آنهم برای جوانانی که جان‌های دریایی دارند، کار آسانی نیست. موفق باشید.